

ملالی جویا ، ۱۰ جون ۲۰۱۵



روزهاست که معلمان کابل و چند ولایت دیگر، به خاطر خواست‌های برحق دست به اعتصاب زده اند. در کشوری که بیسوادى و ناآگاهی یکی از عوامل اصلی تیره بختی‌هایش بشمار رفته نیاز شدید به رشد معارف و بهبود وضعیت آموزگاران احساس می‌شود، اما دولت پوشمالی و فاسد جز تبلیغات دروغین و ریاکارانه، کمترین کار پایه‌ای درین عرصه انجام نداده است. امروز معلمان افغانستان از جمله نادارترین قشر جامعه اند و این فاجعه است چون یک معلم گرسنه و بی‌خانمان هرگز نمی‌تواند آینده‌سازان آگاه را تربیت و به جامعه تقدیم نماید.

دولت پوسیده مثل هر دولت دست‌نشانده و مستبد علاقه‌ای برای رشد سواد در کشور ندارد، بنا طى چهارده سال گذشته افراد مرتجع و خاین را در راس وزارت معارف نشانند و دست آنان را در هرگونه چپاول و خیانت باز گذاشت. یونس قانونی، حنیف اتمر، فاروق وردک، احمد مشاهد، نورمحمد قرقین و حال اسدالله حنیف بلخی از عناصر پلید و عمدتا وابسته به باندهای جنایتکار بنیادگرا بودند که طی چهارده سال گذشته در این وزارت نصب شده اند که جز فساد و چپاول بودجه معارف خدمتی انجام نداده اند. بخصوص فاروق وردک که وابسته به حزب تروریست گلبدین می‌باشد، شش سال تمام معارف را بازیچه امیال شوم تنظیمی و اخوانی‌اش ساخت اما برای رسانه‌ها و ملت ارقام دروغین ارایه کرد. اسدالله حنیف به تاریخ ۶ جوزای ۱۳۹۴ در مجلس استجوابیه پارلمان فاش نمود که در زمینه معارف و تعداد مکاتب و شاگردان ارقام غلط ارایه شده است تا کمک‌ها جلب شوند اما در اکثر مناطق با آنکه مکاتبی وجود نداشته اند اما مصارفش اجرا و به جیب زده شده اند.

اشرف غنی با ریاکاری‌های بدتر از کرزی، به معلمان چه در دوران کمپاین انتخاباتی و چه بعد از آن وعده‌های بلندبالا داد اما آنگونه که از قبل قابل پیشبینی بود به هیچکدام عمل نکرد. توزیع یک نمره زمین، یکی از خواسته‌های آموزگاران است که توجهی به آن نشده چون در تمام افغانستان سه میلیون جریب زمین توسط جنگسالاران و دزدانی غصب شده که امروز در پست‌های کلیدی دولت جا دارند. آصف ننگ معین سابق وزارت معارف به تاریخ ۲۶ میزان ۱۳۹۳ در مصاحبه با «رادیو آزادی» اعتراف نمود که ده هزار جریب زمین مربوط این وزارت که قرار بود بین معلمان توزیع شود توسط «زورمندان» غصب شده است.

اینان فقط از کلمه «زورمندان» استفاده میکنند اما وجدان و شهامت ندارند که آنها را نام ببرند. اما ملت تمامی این دزدان حق معلم و معیوب و بینوای این وطن را می‌شناسد. عمده‌ترین این ارادل عبارتند از سیاف، عظامحمد، کریم خلیلی، ظاهرقدیر، ملاعزت، امان‌الله گذر، باند قسیم فهیم، اسماعیل خان، الله گل مجاهد، ملاثره خیل، زلمی توفان، ممتاز و غیره که همه‌ی شان نازدانه‌های اشرف غنی و عبداللله اند بنا از معافیت تمام برخوردار بوده هیچگاهی مورد بازخواست قرار نمی‌گیرند. من زمانی که در پارلمان بودم در برابر اختلاس ۲۵ میلیون دالمری یونس قانونی در وزارت معارف صدا بلند کردم اما نه تنها فریادم شنیده نشد که قانونی با دسیسه‌ای زمینه اخراج را مهیا ساخت تا دیگر اعتراضی در برابر فساد شان در آنجا شنیده نشود.

اگر در افغانستان یک دولت نسبتاً مردمی روی کار می‌بود، تنها با قطع فساد و کشاندن غارتگران بالا به محاکمه می‌شد داریی ملت را از حلقوم این کثافت‌ها و راهبان شان کشیده به معاش معلمان افزود و به آنان سرپناه تهیه دید. اما از آنجایی که دولت‌های ضدملی ساخت آمریکا مرگ شانرا در باسوادی و آگاهی مردم می‌دانند، هیچگاهی برای رشد معارف تلاشی به خرج نمی‌دهند و برعکس شرایط را برای فروبردن عمیقتر اولاد وطن به دام طالبانیزم و داعشیزم و انواع دیگر جهالت مهیا می‌سازند. آنان می‌دانند که یک ملت بیسواد و بیخبر همچون لقمه چرب راحت‌تر به کام اربابان امریکایی شان فرو می‌رود.

من درحالیکه با تمام وجود از اعتراضات و حرکت حق‌خواهانه آموزگاران شرافتمند کشورم حمایت می‌کنم به این نظرم که دولت‌های فاسد، ضد ملی و نوکر بیگانه را فقط با یکپارچگی و مبارزه می‌توان وادار به عقب‌نشینی کرد. اگر همه متحدانه برای حقوق از دست‌رفته ملت و علیه غلامان خودفروخته بسیج شویم، بدون شک می‌توان جلو خیانت‌ها و وطن‌فروشی‌هایی را گرفت که در کشور جریان داشته وطن ما را فاجعه‌بار ساخته است.

یکپارچگی، اعتراض و مبارزه یا قبول بردگی و سیه‌روزی و بدبختی، تاریخ جز این راه سومی را در خاطره ندارد!

ملالی جویا